[26] پس از اين نامه معاويه نامه تهديد آميزی به امام نوشت واو را از مخالفت با خود برحذر داشت ودر برابر به امام وعده داد كه اگر خلافت معاويه را بپذيرد پس از أو مقام خلافت به امام واگذار شود، ولی امام به تهديدهای أو اعتنائي نكرد ودر پاسخ بد درست انديشی وپافشاری در جنگ پرداخت. اين آخرين نامه أي بود كه بين امام ومعاويه مبادله شد وپس از آن معاويه دانست كه نيرنگهايش اثری نخواهد داشت واشتباهكاريهای سياسي أو سودی نخواهد بخشيد، ودانست كه امام آماده جنگ است وناگزير أو هم برای جنگ مهيا شد وبه تهيه وسائل نبرد پرداخت. اعلام جنگ در مباحث گذشته دانستيم معاويه می خواست با نيرنگهايش امام را از صحنه خارج سازد، ولی پس از عدم موفقيت در آن راهها دانست بهترين راه برای حصول آرزوهای طلائی اش اعلان جنگ است، كه اگراين اقدام را صورت ندهد فرصتي برايش باقی نمی ماند، ضمن آنكه اموري چند أو را بر اين كار وادار كرد: 1 - أو پيوندی محكم با بزرگان عراق وسرداران سپاه اسلام ورؤسای قبائل برقرار كرد بود، ودين ودل آنان را با پول اندكی خريد وبه وعده هاي فراوان وپوشالی اميدوار شان ساخت، وآنان نيز در نهان به أو قول همكاری با أو ونيز خيانت به امام را داده بودند، ودليل اين جريان بخشنامه هائی است كه معاويه به كارگزاران خود نوشت وآنان را به
